

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگرفته از: گریویل پست  
نویسنده: شارمین نروانی\*  
برگردان: م. قربانی  
۰۷ نومبر ۲۰۲۲

## خبرنگاران در خط آتش



رسانه‌های جریان اصلی راه را برای جنگ‌های بی‌پایان و قدرت الیگارش‌ی نامشروع هموار می‌کنند. اگر نگاه من با نگاه شی جین‌پینگ، ولادیمیر پوتین، یا علی خامنه‌ای انطباق پیدا می‌کند، این چیز است که وجود دارد: نگاه شخصی مشتری که از مشاهده سالیان دراز دورونی که دنیا را به ستوه آورده است، شکل گرفته است – هرج و مرج همه جا را فرا گرفته است. بسیاری از اروپایی‌ها امروز از تحریکات و تشدید درگیری با روسیه و چین به ستوه آمده‌اند. بسیاری قول و قرار «اوراسیا» و آرزوی قطع یوغ از «آتلانتیسیم» را درک می‌کنند. صنعت جعل: به خاطر قابلیت‌های فن‌آوری‌های فریب‌آمیز، دیگر نمی‌توان به واژه‌ها، عکس‌ها، ویدیوها و سخنان اعتماد کرد. ما عکس تقلبی زیر را تنها ظرف یک ساعت ساختیم. (منبع: The Cradle)



هفته گذشته مخزنی از اسناد، حدود ۱۷.۰۰۰ سند ظاهراً هک شده از رسانه ایرانی پرس تی وی، فضای مجازی را پُر کرد. میان آن‌ها اسنادی یافت شد که نام من، عکس پاسپورت و امضای من را نیز دربر داشت. در شش روز گذشته من مورد حمله بی‌وقفه توئیتر از سوی به اصطلاح کاربران «ایرانی» قرار گرفته ام، که مرا و حرفه ژورنالیسم مرا بر مبنای تکه‌هائی اطلاعات سرهم‌بندی شده خدش‌دار نمودند و مرا به مزدور تبلیغات دولت ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متهم ساختند.

اساساً، این «مبارزان حقوق زنان» در رسانه‌های اجتماعی مطالب من و دنبال‌کنندگان من را می‌جویند، از فیلتر خود می‌گذرانند و سپس مطالب توهین‌آمیز مربوط به جنسیت مرا استقراغ می‌کنند. گوئی «فاحشه» و انواع رنگارنگ هم‌معنا با این واژه، ترجیح‌بند محبوب آن‌هاست، اما بسیاری جان و امنیت مرا نیز تهدید کردند. این شیوه استفاده از سخن در زبان فارسی بسیار زنده‌تر، شرم‌آورتر و مخاطره‌آمیزتر است.

ابتداء، اجازه دهید ادعای حقوق گرفتن از پرس تی وی یا هر مؤسسه ایرانی دیگر را که به انتشار هر نوع تبلیغ در مورد ایران می‌پردازد، قاطعانه تکذیب کنم. از سال ۲۰۰۹، پس از یک دوره فعالیت در صنعت ارتباطات، که به حرفه خبرنگاری بازگشتم، مواضع خود را در باره ایران، اسرائیل، غرب آسیا و سیاست خارجی ایالات متحده در مقالات بی‌شماری، که بسیاری از آن‌ها را در آرشیو من می‌توان یافت، به وضوح بیان کرده ام. هیچ‌چیز در باره نگاه من طی ۱۳ سال مداخله تغییر نکرده است، به جز آن‌که بیش از پیش تدقیق و آگاهانه‌تر شده است. جنگ سوریه این‌ها را به من آموخت. میزان فریبکاری، دوز و کلک، و اعمال نفوذ خارجی که من در آن جنگ مشاهده کردم، هر گونه خودفریبی باقی‌مانده درباره انگیزه‌های غرب را که از تحصیلات در بریتانیا و آمریکا در سر داشتم، از من زدود.

اگر نگاه من با نگاه شی جین‌پینگ، ولادیمیر پوتین، یا علی خامنه‌ای انطباق پیدا می‌کند، این چیز است که وجود دارد: نگاه شخصی مشترکی که از مشاهده سالیان دراز دورونی که دنیا را به ستوه آورده است، شکل گرفته است – هرج و مرج همه جا را فرا گرفته است. بسیاری از اروپائی‌ها امروز از تحریکات و تشدید درگیری با روسیه و چین به ستوه آمده اند. بسیاری قول و قرار «اورآسیا» و آرزوی قطع یوغ از «آتلانتیسیم» را درک می‌کنند. و آن‌ها از روس‌ها، ایرانی‌ها، یا چینی‌ها پول دریافت نمی‌کنند.

### صنعت چیزهای تقلبی

همه ما با هوش مصنوعی و جعل عمیق دیجیتالی و شیوع تکنولوژی فریبنده قرن ۲۱ آشنائی داریم، اما آن‌ها را نه به عنوان تکنولوژی‌های منفی و مخرب می‌بینیم، و نه این‌که عملاً ظرفیت تأثیرشان را در زندگی واقعی مورد توجه قرار می‌دهیم.

از «ادوارد سنودن» آموختیم که دولت‌ها قادرند در نرم‌افزارها، ایمیل‌ها، دوربین‌ها و میکروفون‌های ما نفوذ کنند. آن‌ها می‌توانند همه جا ما را تعقیب کنند، مکان‌یابی کنند، تراکنش‌های مالی ما را مشاهده کنند. هنگامی که در حال تماشای (فلمی) از نت فلیکس در لپ تاپ خود هستید، مأمور آژانس امنیت ملی (ان اس آ) شما را در حال شام خوردن زیر نظر دارد.

به این چیزها اشاره می‌کنم – فقط به عنوان نوک کوه یخ است – تا یادمان باشد که دیگر یک عکس ارزشی معادل هزار کلمه را ندارد، این چیز است که پیش از این در جنگ سوریه کشف کردم. دیگر نیازی نیست تصاویر قلابی باشند، آن‌ها کافیست به شیوه‌ای ارایه شوند که از سد راه رادار طبیعی مزخرفتان عبور کنند.

این‌ها چند تا از به اصطلاح اسناد هک شده علیه من در هفته گذشته است:

Doc 1



Doc 2



این تصویر است از من و آنچه امضای من به نظر می‌رسد. نگاهی گذرا به من می‌گوید که این‌ها تصاویر اسناد امضاء شده یک «حواله»، واژه عربی برای «تراکنش پول»، که عموماً برای توصیف کسانی استفاده میشود که – قانوناً – به انتقال پول خارج از سیستم بانکی معمول می‌پردازند،

از سال ۲۰۱۹ مجموع مؤسسات مالی لبنان حساب‌های همه سپرده‌گذاران را مسدود کردند تا پس از فروپاشی اقتصادی کشور از هجوم مردم به بانک‌ها جلوگیری کنند. از این گذشته، حتی انتقال الکتریکی بانکی ساده با «پول نقد» هم به کار شاقی بدل شده بود – در بعضی از این مؤسسات به طور یک‌جانبه هفته‌ها یا ماه‌ها طول می‌کشد تا پول شما را آزاد کنند.

به این خاطر، کسانی که در لبنان بودند همگی یکباره برای دریافت پولشان به حساب بانک‌های خارجی یا اعضاء خانواده مقیم خارج رجوع کردند تا از طریق حواله پول دریافت کنند. در ضمن، اغلب کشورهای تحت تحریم یا فشارهای امریکا به ایجاد ابزارهای موازی مشابه برای فعالیت‌های مالی خود دست می‌زنند.

اگر من اسناد آ و ب را امضاء کرده بودم، کپی آن‌را برای بایگانی خودم نگه نمی‌داشتم – آن در بایگانی صراف نگهداری می‌شد.

من هیچ‌یک از این اسناد را به تنهایی نه تأیید و نه تکذیب می‌کنم، اما از زمان فروپاشی سیستم بانکی لبنان در سال‌های اخیر مانند دیگر افراد محلی به دفعات این کار را انجام داده‌ام.

نمی‌دانم چگونه و چرا سر و کله این اسناد در ماجرای به اصطلاح هک شدن پرس تی وی پیدا شده است. من در این مورد مشاوره حقوقی گرفته‌ام، لذا نمی‌توانم خیلی گمانه‌زنی کنم.

با این وجود، وقتی مخزن اسناد را بررسی می‌کردم به دو چیزی که توجه مرا جلب کرد، اشاره می‌کنم. از میان هزاران ورودی که تاریخشان ۱۴ اکتوبر ۲۰۲۲ است – ظاهراً تاریخ مربوط به عملیات هک – ۲۰، ۳۰ سند، از جمله این دو اسکن که تراکنش بالا را نشان می‌دهد، مربوط به ۱۸ اکتوبر، است. آیا ممکن است آن‌ها دیرتر اقدام به الحاقشان به انبوه اسناد کرده باشند؟

دوم، «حواله» ای که شماره ۲ نامگذاری شده است – در سال ۲۰۲۱ امضاء شده است – ظاهراً یک معامله سوری، واقع در سوریه است، که من از سال ۲۰۱۹ به آنجا سفر نکرده ام. در یک جستجوی آنلاین متوجه شدم صرافی الفادل به طور مشخص فقط برای پرداخت هزینه‌های گروه مقاومت حزب‌الله در سوریه برپا شده است. آیا همه این‌ها کوششی برای نسبت دادن تلویحی من به آن‌هاست؟ حالا من مأمور حزب‌الله – اسد – جمهوری اسلامی ایران – پوتین – چین هستیم؟ پناه بر خدا.

### صبر کنید، باز ادامه دارد

متوجه شدم چند سند دیگر وجود دارد که نام من در آن ذکر شده است – آن‌ها در زیر ارایه شده اند. هیچ‌یک نه تاریخ دارند نه لوگوی سربرگ – هرچند آن‌ها بر راحتی می‌توانستند از سوی هر کسی با یک کامپیوتر شخصی آنجا الحاق بشوند. نام من نیز نادرست نوشته شده است. توجه کنید:

### اسناد به فارسی

این قسمت مضحک داستان است. این سه سند روی هم ادعا می‌کنند که من ۱۲۱ «تحقیق/مقالات تحلیلی»، و ۲ مصاحبه برای پرس تی وی انجام داده ام. در دو سال گذشته، جمعاً من ۴ مقاله نوشته ام و ۳ مصاحبه با یک امریکائی، یک فلسطینی، و یک لبنانی انجام داده و منتشر کرده ام. در گوگل جست‌وجو کنید. من نویسنده پُر کاری نیستم. هرگز پُر کار نبوده ام و از موقعی که دیگر جنگ سوریه را پوشش ندادم به طور قابل توجهی فعالیتیم کاهش یافت و به کار اصلی خودم، ویراستاری، پرداختم. شگفت‌آور است، طی ۱۳ سالی که شروع به نوشتن کردم – برای ده‌ها شبکه رسانه‌ئی – هرگز یک مقاله هم برای پرس تی وی ننوشتم.

در واقع آنچه مستمسک این ماجرا شد، این اظهار نظر پرس تی وی در واکنش به اسناد هک شده بود: «در یک اقدام خبیثانه که بروشنی نقض حقوق فردی کارکنان پرس تی وی و افراد مرتبط با آن نظیر کارشناسان رسانه و متخصصان است، یک گروه هکری کوشید تا حساب‌های برخی کاربران در سرویس ایمیل این شبکه را هک کند و اسناد شخصی مردم، لیست حقوق و دیگر اسناد معمولی اداری را منتشر سازد، و این شبکه مطلقاً حق دارد از طریق مراجع قانونی موضوع را پیگیری نماید.

باید یادآور شد که این افراد (هکرها)، از میان اسناد اداری به دست آمده، به ساختن اسناد قلابی مانند قبض و رسیدهای مالی دست زده اند، تا فضائی مسموم از این شبکه و کارکنانش که هدفشان چیزی جز روشنگری و فعالیت حرفه‌ئی نیست، به وجود آورند. کار آن‌ها ژورنالیسم نیست، از این‌رو پرس تی وی اصالت این اسناد یا ظاهراً اسنادی را که در آینده منتشر خواهد شد، تکذیب می‌کند.» (تاکید از نویسنده)

### بی اعتبار کردن روایت مخالف

کارزار گسترده رسانه‌های اجتماعی در پی هک کردن پرس تی وی در ۲۰ اکتوبر در توئیتر با این تونیت آغاز شد: به عکس من و وزیر خارجه سابق ایران، جواد ظریف را که پهلوی اسناد قرار داده اند، توجه کنید. به این می‌گویند به کارگیری مدیریت ادراک، من با یک مقام رسمی ایران هستم، بنابراین هرچه به دنبال آن می‌آید باید حقیقت داشته باشد.



Babak Taghvaei - The Crisis Watch  
@BabakTaghvaei

Last night, I received 3GB of data from whom hacked emails of Press TV, a propaganda news channel of #Iranian regime. You can find documents show how much the propagandists of the regime including Sharmine Narwani are receiving from #Iran's regime. She has got \$50k in 2021!



2:24 PM · Oct 20, 2022 · Twitter Web App

1,843 Retweets 224 Quote Tweets 3,800 Likes

با این تفاوت که من خودم اولین بار در سال ۲۰۱۵ این عکس در کنار ظریف را توییت کردم، وقتی چهار خبرنگار - یک برزیلی، لبنانی، امریکائی و من - مشترکاً امتیاز اولین مصاحبهٔ رسانه‌ی با وی در آخرین مراحل مذاکرات برجام در وین در ماه جولای را داشتیم.

این تنها زمانی بود که من دکتر ظریف را شخصاً ملاقات کردم. ارتش توییتی ضد ایران تنها آنرا بریده و عکس را نگه داشته - انگار که آن عکس بخشی از اسناد هک شده است.

این کاربر خاص تویتر، سال‌ها مرا به خاطر نقطه نظرات جهانی ام تعقیب کرده است. اغلب این به اصطلاح حساب‌های کاربری رسانه‌های اجتماعی «ایرانی» به هیچ‌وجه تحمل نظرات دیگران را ندارند، درست در تضاد با «آزادی» مورد حمایت‌شان. این هم از بابک تقوائی سه سال پیش هرچه دلش می‌خواهد درباره من تلقین می‌کند - که بعضی از آن‌ها می‌توانست به شخص من آسیب برساند، از جمله به دستگیری و زندانی شدن من بینجامد.

### برگردان توییت بابک تقوائی:

شب گذشته ۳ گیگابایت اطلاعات از ایمیل‌های هک شده پرس تی وی، کانال تبلیغاتی رژیم ایران، به دستم رسید. شما می‌توانید اسنادی را ببابید که نشان می‌دهد تبلیغ‌کنندگان رژیم از جمله شارمین ناروانی چقدر از رژیم ایران حقوق می‌گیرند. او در سال ۲۰۲۱ پنجاه هزار دلار دریافت کرده است!

پاسخ به توییت بابک تقوائی

شارمین نروانی ۱۲ ماه مه ۲۰۱۹

پس آنرا منتشر کنید. بفرمائید «من چگونه ویزا می‌گیرم.» هر چیزی که تا کنون بیان کرده اید به گونه قابل اثباتی نادرست است. اعتبار شما در خطر است. شما آنقدر ابله هستید که درک نمی‌کنید مردم ممکن است جهان‌بینی مشترک داشته باشند ولی به هیچ‌وجه آلوده نشوند.

پاسخ بابک تقوایی به ش. نروانی:

نمی‌توانم چیزی درباره شما منتشر کنم. اما شما برای بسیاری از سرویس‌های اطلاعاتی جهان به عنوان سخنگوی سازمان تروریستی حزب‌الله شناخته شده هستید. اگر فکر می‌کنید می‌توانید از سوی دوستان غربی‌تان که به آن‌ها درباره ایران اطلاعات می‌دهید محافظت شوید، اشتباه می‌کنید! آن‌ها تا ابد از شما حمایت نمی‌کنند!



Babak Taghvaee - Μπάπακ Ταχβαίε - ... @BabakT... · May 12, 2019

Replying to @snarwani and @Shahnameh\_

Sharmine, it is easy for me to gather intel about you. Easier than what you think. And I very well know how you get your visa and how they give you clearance. I didn't say that you are their agent. They don't need you to be their spy. But they need you to spread their propaganda.

1



16



Sharmine Narwani @snarwani · May 12, 2019

Replying to @BabakTaghvaee and @Shahnameh\_

Then do it and publish it. Tell me how I "get my visa." Every single thing you've stated so far is demonstrably false. Your credibility is on the line here. You're so foolish, you don't even understand that people can share a worldview and yet not be compromised in any way.

2



4



Babak Taghvaee - Μπάπακ Ταχβαίε - بابک تقوایی @BabakTaghvaee

Replying to @snarwani and @Shahnameh\_

I can't publish anything on you. But u are known to many of the world's intel services as mouthpiece of [#Hezbollah](#) terror Org. If you think, you can be protected by your western friends who you fed them with info on Iran, you are wrong! They will not protect you forever!

از آن پس، من حساب وی را مسدود کردم. همان‌طور که پروفایل وی نشان می‌دهد، او برای نشریات دفاعی کشورهای عضو ناتو و برای رسانه‌های اسرائیل قلم می‌زند. تقوایی به توثیق کردن اطلاعات نظامی که خیلی قابل دسترس نیستند گرایش دارد، از این‌رو می‌شود امکان ارتباط وی با منابع اطلاعاتی را حدس زد. لاف زدن‌های او در مورد دریافت آسان اطلاعات درباره من نیز انسان را به همین نتیجه می‌رساند.

نخستین حساب کاربری تأیید شده ای که متوجه شدم اسناد مربوط به من را توثیق کرد، خبرنگار اسرائیلی، امیلی شریدر، بود که یکی از حامیان تغییر رژیم در ایران است.

طبق نظر مارک اوئن جونز، ژورنالیست و محققى که مرتباً در مورد تأثیرات کارزارهای رسانه‌های اجتماعى مى‌نویسد – که اغلب از سوى دولت‌ها اداره یا حمایت مالی مى‌شوند – شریدر نقش محوری در حمله گسترده رسانه‌های اجتماعى علیه شورای ملی ایرانى-امریکائى (نایاک) داشت. نایاک گروهى است در واشینگتن که خواهان تحقق عادى‌سازی روابط ایران و امریکاست.

جونز در توییت ۱۶ اکتبر مطلب زیر را فاش مى‌کند:

• «پس از تظاهرات مرتبط به مهسا امینى شورای نایاک مورد تهدیدهای توییترى مجدد (بیش از صد هزار توییت/نقل از آر تی) قرار گرفت. به نظر مى‌رسد مؤثرترین جریان در این حمله خبرنگار اورشلیم پست و کارشناس بازاریابى دیجیتال (کارزارهای سیاسى) امیلی شریدر است.»

• نقطه نظرات من و نایاک درباره ایران، اگرچه ممکن است در موارد کمی مشترک باشد، با هم تفاوت فاحش دارد. فرد دیگری که هدف حملات رسانه‌های اجتماعى در این ماه قرار گرفته است روزنامه‌نگار ایرانى-امریکائى، نگار مرتضوى است، کسى که با نگاه بی‌طرفانه‌ترى شبکه‌های رسانه‌ی جریان اصلی دولت ایران را نقد مى‌کند. به همین دلیل مورد آزار قرار گرفته و تهدید به مرگ شده است و ارتش سایبرى ضد ایرانى وی را در همه محافل بی‌رحمانه مورد حمله قرار مى‌دهد.

• تعداد بی‌شمار دیگری هم هستند – در کمال تعجب، عمدتاً زن – از جمله مى‌توان از خبرنگار فرناز فصیحى نام برد. در سال ۲۰۲۱ یونسکو گزارشى درباره افزایش ناگهانی خشونت جهانی علیه زنان ژورنالیست در فضای مجازى منتشر کرد:

• هدف خشونت علیه زنان ژورنالیست در فضای مجازى «تحقیر، اهانت، و خوار کردن آنان؛ ایجاد وحشت، واداشتن آنان به سکوت و عقب‌نشینی؛ بی‌اعتبار کردن حرفه آنان، از میان بردن مسؤولیت خبرنگارى و اعتماد به فاکت‌ها؛ و دل‌سرد و مأیوس کردن آنان در مشارکت فعال در بحث‌های همگانی (همراه با منابع، همکاران و مخاطبین) آنان است.»

• اغلب ما خبرنگاران و تحلیل‌گرانى مستقل هستیم، هر کدام از ما ریزه‌کاری‌ها و دیدگاه‌های خودمان را در باره ایران و در گستره منطقه ارائه مى‌دهیم. ما مى‌توانیم به نظرات یکدیگر، هر قدر متفاوت، احترام بگذاریم. و باید این‌گونه باشد. اما ارتش‌های سایبرى چنین چیزى را برنمی‌تابند. ما باید به هر قیمتی بی‌اعتبار شویم.

• به نظر من علت همه حملات اطلاعات نادرست و تقلب‌ها اینست که نومحافظه‌کاران و اسرائیلی‌ها در نهایت وحشت از بقاء ایران در رویارویى قدرت در جهان میان شرق و غرب به سر مى‌برند. آن‌ها معامله برجام را دو بار تخریب کرده اند و تحمل کوچکترین مانع در این ماجرا را ندارند، چرا که دنبال نهایت آشوب و دگرگونی در ایران هستند.

### خبرنگارى خطرناک

• در تابستان گذشته، من اولین هشدار گوگل را دریافت کردم بر این مبنی که هکرهای مورد حمایت دولت دارند به پاسپورت من دسترسى پیدا مى‌کنند.

• حرفه خبرنگارى به حرفه‌ای خطرناک تبدیل شده است. ویراستار عربى ما، رادوان مرتضا، در یک جلسه دادگاه نظامى غیر عادى لبنان «به جرم اهانت به دستگاه ارتش» به یک سال و یک ماه زندان محکوم شد. یکی از یاران نویسنده ما در ترکیه، سردبیر سابق جمهوریت و گرداننده برنامه رادیوى، حیدا کاران، حرفه خبرنگارى را برای اجتناب از زندانى شدن کنار گذاشت.



• یکی دیگر از مخبران همیشگی ما، هدیوگ کوئیپر، اهل بلجیم که اغلب در مورد مسایل جنجالی کُردستان در عراق، و سوریه می‌نویسد دو ماه است که ناپدید شده است، و ما عمیقاً نگران سلامت وی هستیم.

• موارد بسیاری از این دست وجود دارد. خبرنگاران بیش از هر زمانی در میدان گزارشگری کشته می‌شوند، و معروفترین آن‌ها در جهان، ژولیان آسانژ، در زندانی با بیشترین مراقبت امنیتی انگلستان، به خاطر گزارش فعالیت‌های پنهان دولت‌های غربی و جنایات جنگی آن‌ها، در حبس به سر می‌برد. مقامات رسمی ایالات متحده حتی علناً قتل وی را تشویق می‌کنند.

• من برای هیچ دولت یا آژانس امنیتی کار نمی‌کنم. من از آن دست خبرنگاران اندکی هستم که هرگز چنین پیشنهادی به من نشده است.

• سه سال پیش در آغاز همه‌گیری کرونا، در سفر به ایران هنگام ورود به فرودگاه از من خواستند در یک مصاحبه امنیتی حاضر شوم. بله در ایران. پیش از این، هرگز چنین اتفاقی در هیچ یک از سفرهایم در هیچ کجا اتفاق نیفتاده بود. در برگشت به لبنان با نگرانی از یکی از مأمورین قدیمی امنیتی مورد اعتمادم در باره چرائی یک چنین بازجویی سؤال کردم. پاسخ وی:

• «صادقانه بگویم، من شما را هفت سالی هست که می‌شناسم، شما برای کارتان به کشورهایی مثل سوریه، عراق، لبنان و ایران سفر می‌کنید – من شخصاً نمی‌دانم چرا تا به حال چنین اتفاقی نیفتاده است. اگر من امن العام (آژانس امنیت عمومی لبنان) را اداره می‌کردم، خودم هم از شما سؤال-جواب می‌کردم.»

• این چیز است که ژورنالیست‌ها این روزها باید با آن کنار بیاورند. من عشق، علاقه و اعتقاد راسخ فراوانی به کارم دارم. تهدیدات، عزم مرا دوچندان می‌کند، چنان‌که بسیاری شاهد نه سال پوشش خبری من در سوریه بودند. اگر شما ۱۰ میلیون دالر به من می‌دادید تا خلاف اعتقاداتم بنویسم، چنین کاری انجام نمی‌دادم. گرچه وقتی دوباره فکر می‌کنم، ممکن بود دست به این کار بزنم، در این صورت شما را در شرمساری عمومی که کاملاً شایسته آن هستید از میدان به در می‌کردم.

• این نشریه بر مبنای مالکیت یا نفوذ از کسی کمک مالی نمی‌پذیرد. به این معنا که شما می‌توانید به ما چکی به مبلغ قابل توجهی بدهید، اما مالک هیچ سهمی در این مؤسسه نیستید و ما متقابلاً می‌توانیم در هر زمانی از یکدیگر جدا شویم. این بخشی از مأموریت ما برای ایجاد رسانه‌ی بهتر و مسؤول است.

• اگر پرس تی وی یا روسیه امروز یا تله‌سور – شبکه‌های رسانه‌ی که از سوی مخالفان غربی تحقیر می‌شوند – به ما پیشنهاد کنند که بدون هیچ‌گونه رشته اتصال یا توقعی به ما کمک مالی کنند، بی‌درنگ می‌پذیرم و به نوشتن همچنان ادامه می‌دهم، چنان‌که غرب آسیا، و اورآسیا را در ابعاد جالب توجه‌تر از آنچه در رسانه‌های کورپوراسیون‌ها ارائه می‌شوند، پوشش می‌دهیم. ممکن است عملاً همین کار را انجام دهم.

\*\*\*\*\*

\* - شامین نروانی، نویسنده و تحلیلگر مسایل ژئوپولیتیک غرب آسیا، و ستون‌نویس مجله خبری کریدل است. مقالات وی در رسانه‌های خبری وسیعی از جمله امریکن کانسرواتیو، راشیا تودی، نیویورک تایمز، یو اس ای تو دی، گاردین، الاخبار انگلیسی، السفیر، هافینگتن پست، بریکس پست، سالن‌کام، الجزیره و غیره منتشر شده است. در بسیاری از منابع انتشاراتی از وی به خاطر پوشش‌های تحقیقی و پیشگامانه‌اش در جنگ سوریه نام برده شده است.